



### یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

در بزگداشت منصور حکمت!

هراس از تکرار

انقلاب اکتبر و انقلاب کبیر فرانسه!

دانشگاه باز میگردد!

صفحه ۷

۵۰۹۰۰ دلار جمع آوری شده و

حداقل ۴۰۱۰۰ دلار دیگر لازم است

هیچ کمکی کوچک نیست و

هیچ کمکی بیش از اندازه

زیاد نیست!

صفحه ۸

بیش از ۸۰۰ کارگر عسویه دست

به تجمع اعتراضی زدند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۶

برای آزادی ریحانه از زندان

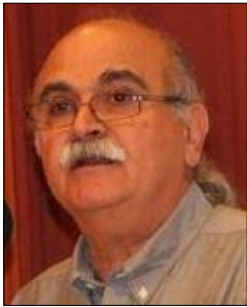
چه باید کرد؟

سخنی خطاب به ریحانه و دوستدارانش!

صفحه ۱۲

# بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد استقلال کردستان عراق

صفحه ۲



## ضرورت دفاع کمونیستی از استقلال کردستان عراق

مصاحبه با حمید تقوایی

جامعه در عراق بعد از جنگ خلیج به ملقمه ای از مذاهب و اقوام و فرقه ها و بالانس و توازن قوا بین این نیروهای ارتجاعی تبدیل شده است که وضعیتی کاملا منطبق بر نظریه نظم نوینی جوامع و حکومت‌های موزائیکی و "دموکراسی" صادراتی آمریکا و متحدینش به عراق و منطقه است. دولت کرزای و دولت مالکی دو نمونه از چنین دولت‌هایی هستند. حتی امروز هم وقتی اوباما و مقامات آمریکائی از ضرورت یک "دولت ائتلافی" در عراق صحبت میکنند منظورشان دولتی است

صفحه ۳

که آینده چه خواهد شد. بحث بر سر روندها و سیر محتمل وقایع است. تا آنجا که به مساله عراق و بحث استقلال کردستان مربوط میشود به نظر من باید ابتدا آلترناتیو باقی ماندن کردستان به عنوان بخشی از عراق را بررسی کرد. سؤال واقعی اینست که باقی ماندن بعنوان جزئی از عراق و یا جدائی و استقلال، کدام یک بیشتر به نفع مردم کردستان و حتی مردم در کل عراق خواهد بود؟ در پاسخ به این سؤال ابتدا باید بر این نکته تاکید کرد که از مقطع حمله آمریکا تا امروز عملا با یک جامعه و دولت مدنی و متعارف در عراق روبرو نیستیم. دولت و سیاست و

انترناسیونال: در بیانیه حزب در مورد استقلال کردستان در دفاع از ضرورت و مطلوبیت این امر به شرایط سیاه و تخصیصات قومی و مذهبی حاکم بر عراق بعد از حمله نظامی آمریکا اشاره شده است. اولین سؤال اینست که چه تضمینی وجود دارد که بعد از استقلال این وضعیت بهبود پیدا بکند؟

حمید تقوایی: طبعا هیچ تضمین از پیشی برای بهتر شدن شرایط وجود ندارد. نه تنها در این مورد بلکه در رابطه با هر تحول سیاسی نمیتوان صد در صد پیش بینی کرد و تضمین داد

## در باره ضرورت و مطلوبیت استقلال

### کردستان عراق

گفتگوی سیما بهاری با علی جوادی در برنامه

"گفتگو - تلویزیون کانال جدید"

صفحه ۵

## هشدار!

وضعیت اضطراری رضا شهابی و بهنام

ابراهیم زاده دو رهبر محبوب کارگری در زندان

شهلا دانشفر

صفحه ۹

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران در مورد استقلال کردستان عراق

سیاسی بتوانند نظرات خود را در میان مردم آزادانه تبلیغ کنند و مردم بدون فشار و بدون قید و شرط حق انتخاب داشته باشند، تضمین محکمی برای جلوگیری از سنگ اندازی دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی در مسیر مردم کردستان برای تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت خویش میباشد.

با استقلال کردستان زمینه تبعیضات و تفرقه افکنی‌های ملی و به‌مراه آن توهم به نیروهای "ناسیونالیست خودی" تضعیف میشود و شرایط برای طرح و به پیش رانده شدن مسائل و خواسته‌های اساسی توده مردم کارگر و زحمتکش، و مبارزه علیه فقر و بیحقوقی و نابرابری طبقاتی بیش از پیش فراهم میگردد. با حل مساله ملی راه برای حل ستم و تبعیض طبقاتی نیز هموارتر خواهد شد.

برای ما کمونیستها و توده مردم در شرایط حاضر جدائی کردستان از عراق گامی در جهت گسترش مبارزه برای ایجاد یک حکومت سکولار، غیر قومی و غیر مذهبی، و جامعه ای آزاد و برابر و مرفه است. تلاش برای تحقق این هدف در صدر وظایف نیروهای چپ و کمونیست در عراق قرار دارد.

از مخالفان سرسخت استقلال کردستان عراق بوده است، در موقعیت کنونی به آن رضایت داده است و استقلال کردستان را به نفع خود ارزیابی میکند، دولت سوریه به شدت تضعیف شده و قدرت و اعتبار و نفوذی ندارد، جمهوری اسلامی در وضعیتی نیست که بتواند دخالت فعالی برای مقابله با اراده مردم کردستان بنماید، و حتی دولت اسرائیل نیز به نفع خود می بیند که کردستان عراق مستقل شود.

این دولت‌ها منافع خاص طبقه حاکمه در این کشورها را دنبال میکنند، اما مستقل از نیات و اهداف دولت‌ها و طبقات و احزاب مذهبی و ناسیونالیستی حاکم، از نقطه نظر توده مردم، استقلال کردستان کوتاه‌ترین و کم مشقت‌ترین راهی است که میتواند به معنی ایجاد جامعه ای بدور از تبعیضات و تعصبات ملی و قومی و مذهبی، جمع کردن بساط هر نوع دولت مذهبی - قومی - ناسیونالیستی و دخالت مستقیم توده مردم در اداره امور جامعه باشد.

کردستان مستقل میتواند و باید نه تنها از نظر جغرافیائی بلکه از نظر سیاسی - اجتماعی نیز مسیر خود را از نیروها و دولت‌های اسلامی و قومی و ناسیونالیستی جدا کند. این افق و چشم انداز که خواست و تمایل توده مردم کردستان است، را کمونیستها و مشخصا احزاب کمونیست کارگری از سالها پیش نمایندگی میکنند. ما بر برگزاری هرچه سریعتر یک فراندوم در فضایی آزاد و با نظارت سازمانها و نهادهای بین‌المللی برای استقلال کردستان و تشکیل دولتی غیر قومی و غیر مذهبی تاکید داریم. برگزاری یک فراندوم که در آن همه احزاب

شرایط فاجعه بار عراق مساله استقلال کردستان را به مرکز توجه توده های مردم و دولت‌ها و رسانه ها رانده است. از هم گسیختن شیرازه جامعه عراق و گسترش نفرت پراکنی و تخاصمات قومی و مذهبی در این کشور از مقطع جنگ خلیج و تشدید این وضعیت بعد از تهاجم نظامی آمریکا و متحدینش در ۲۰۰۳، مدت‌هاست که جدائی کردستان از عراق را به یک راه حل متمدنانه و انسانی برای مصون داشتن بیش از پنج میلیون مردم ساکن این منطقه از جنگ و کشمکشهای مذهبی - عشیره ای تبدیل کرده است. امروز با بالا گرفتن شعله های جنگ کشیف نیروهای اسلامی در عراق جدائی کردستان مبرمیت و مطلوبیتی دو چندان می یابد.

با استقلال کردستان عراق زمینه نفرت پراکنی و جنگ ملی - قومی بین "کرد" و "عرب" در چهارچوب یک دولت و جامعه موزائیکی قومی - مذهبی از بین خواهد رفت و از این نقطه نظر نه تنها در کردستان بلکه در کل عراق نیز شرایط بهتر و مساعدتری برای حرکت به سمت یک دولت و جامعه سکولار و مدرن فراهم خواهد شد. هر نوع آلترناتیو دیگری، از دولت اقلیم کردستان تا خودمختاری و یا هر نوع فدرالیسم و یا جامعه و دولت موزائیکی متشکل از نیروهای کرد و سنی و شیعه، تنها میتواند به تفرقه و نفرت پراکنی ملی و مذهبی بیشتری دامن بزند و آتش جنگ فرقه های مذهبی را به منطقه کردستان نیز سرایت بدهد. در شرایط حاضر در جامعه عراق تنها راه حل مساله کرد، هم به معنی ریشه کن کردن ستم ملی و پایان بخشیدن به تخاصمات تاریخی و پرسابقه بین "کرد" و "عرب" و هم به معنی مشخص مصون داشتن جامعه کردستان از شرایط سیاه و فاجعه باری که امروز در عراق پا گرفته و رو به تشدید و وخامت بیشتر دارد، تشکیل یک دولت مستقل در کردستان بر اساس رای و اراده مردم ساکن این منطقه است.

از نقطه نظر عملی نیز تحقق این امر بیش از هر زمان دیگر امکان پذیر شده است. دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی ای که سنتا مخالف و مانع تشکیل کردستان مستقل بوده اند، امروز به نسبت سالهای گذشته در وضعیت نامساعدتری برای سنگ اندازی در مقابل مردم کردستان قرار دارند و بعضا حتی به دلیل مصالح خود تغییر موضع داده اند. دولت مرکزی عراق عملا دچار از هم گسیختگی کامل است، دولت ترکیه که یکی



## ضرورت دفاع کمونیستی از استقلال کردستان عراق

### مصاحبه با حمید تقوائی

که سران عشایر سنی را بیشتر در حکومت دخالت بدهد و بالانس بهتری بین اقوام و عشایر و مذاهب ایجاد کند. دولت اقلیمی کردستان خود بخشی از این جامعه و دولت مدل نظم نویسی است و تداوم این وضعیت معنائی به جز برجسته تر شدن بیشتر "موزائیک کرد" در جامعه و سیاست و دولت عراق ندارد. از همین رو حزب ما از همان مقطع جنگ خلیج موافق جدائی کردستان عراق بوده است. با بمیدان آمدن داعش و تشدید جنگ شیعه و سنی در عراق این نقش موزائیکی کردستان برتاب تشدید میشود. اولاً موقعیت دولت اقلیمی در این جنگ و رابطه آن با دولت مرکزی و با داعش و کلا نیروهای رقیب و متخاصم شیعه و سنی به یک مساله حاد و برجسته تبدیل میشود. (هم اکنون دو حزب حاکم ناسیونالیست کرد، حزب دموکرات کردستان عراق (پارتی) و اتحادیه میهنی مواضع متفاوتی در قبال این مساله دارند. اتحادیه میهنی بیشتر به مواضع جمهوری اسلامی و دولت مالکی نزدیک است و پارتی که در راس دولت اقلیمی است، بیشتر نزدیک به ترکیه است). با تداوم و وخیم تر شدن وضعیت فعلی موقعیت دولت اقلیمی و کلا "مساله کرد" به معنائی که توضیح دادم نیز بعنوان یک فاکتور در شرایط فاجعه بار عراق نقش بیشتری پیدا خواهد کرد. تا امروز کردستان توانسته است در مقایسه با بقیه نقاط عراق شرایط آرام تر و با ثبات تری داشته باشد ولی با بالا گرفتن جنگ بین شیعه و سنی که نشانی از فروکش کردن ندارد، شرایط به سرعت تغییر خواهد کرد و پای

دولت اقلیمی و منطقه کردستان نیز خواه ناخواه به این جنگ کشیده خواهد شد. دومین نکته رابطه دولت اقلیمی و دولت مرکزی در شرایط حاضر است. دولت مالکی حاکمیت خود بر بخش وسیعی از کشور را از دست داده و بیش از پیش موقعیت و نقش یک فرقه مذهبی و نماینده شیعیان، و نه دولت مرکزی عراق، را یافته است. این شرایط دولت اقلیمی را نیز بی معنی و بی اعتبار میکند. وقتی عملاً دولت مرکزی ای در کار نیست، دولت اقلیمی نیز نه در کردستان و نه در هیچ بخش دیگری از عراق، محلی از اعراب نخواهد داشت. تنها معنی و نقشی که میتواند داشته باشد همانطور که اشاره کردم موضع گیری و دخالت عملی در جنگ و تخاصصات جاری بعنوان حامی و مدافع این یا آن کمپ خواهد بود. نکته آخر اینکه در شرایط حاضر کردستان عملاً حالت یک کشور مستقل را بخود گرفته است اما رسماً و قانوناً هنوز بخشی از عراق است. این تناقض بین واقعیت و موقعیت رسمی و فرمال، قابل دوام نیست و دیر یا زود به تقابل خونین بین نیروهای کرد که خواهان حفظ موقعیت واقعی هستند و نیروهای طرفدار یکپارچگی عراق منجر خواهد شد. بعنوان مثال موقعیت کرکوک را در نظر بگیرید. دولت اقلیمی این شهر را که مدتها مورد مناقشه بین دولت کردستان و دولت مالکی بود به تصرف خود درآورده است و اعلام کرده است که آنرا بازپس نخواهد داد. این شرایط مثل یک بمب ساعتی عمل میکند که با اندک سرو سامان گرفتن دولت مرکزی منفجر خواهد شد. تنها راه

پیشگیری از این انفجار رسمیت دان به شرایط واقعی یعنی استقلال کردستان است. همه جنبه هائی که توضیح دادم بروشنی نشان میدهد که در مقایسه با آلترناتیوهای دیگر استقلال کردستان بهترین و عملی ترین راه برون رفت از شرایط فاجعه بار حاضر و جلوگیری از تخاصصات خونین آتی است.

*انترناسیونال:* آیا استقلال کردستان و حتی نفس طرح این مساله خود نمیتواند منشا و زمینه درگیری ها و تخاصصات ملی و قومی تازه ای باشد؟

*حمید تقوائی:* مساله استقلال همیشه با مخالفت دولتهای منطقه و احزاب و نیروهای ناسیونالیست که دفاع از تمامیت ارضی یک امر هویتی و مقدس برای آنها است مواجه بوده اما در شرایط امروز این نوع مقاومتها و مخالفتها به ضعیف ترین حد خود در چند دهه اخیر تنزل پیدا کرده است. سنتا یک مخالف سرسخت استقلال کردها دولتهای دارای مناطق کردنشین یعنی ایران و ترکیه و سوریه و عراق بوده اند اما امروز شرایط منطقه تغییرات اساسی کرده و برخورد این دولتها به مساله کرد نیز منطبق بر شرایط تازه تغییر یافته است. کلا یک فاکتور جدید در خاورمیانه، نافرجام ماندن سیاست هژمونی طلبانه آمریکا بعد از جنگ سرد و ایجاد یک خلاء قدرت در این منطقه است. این شرایط باعث شده است تا دولتهای منطقه بر سر گسترش قدرت و نفوذ خود و عرض اندام بعنوان قدرت فائقه در خاورمیانه، به رقابت و مقابله با یکدیگر بپردازند. و در این میان از مساله کرد نیز در خدمت این سیاست و جهت گیری استفاده

کنند. امروز مساله کرد نه در شکل کلاسیک مساله ملی در چهار پارچه کردستان، بلکه بعنوان فاکتوری در رقابتها و جنگ و کشمکشهای منطقه ای نیروهای قومی و مذهبی و دولتهای حامیشان، از سوریه و عراق تا ترکیه و جمهوری اسلامی و عربستان و حتی دولت اسرائیل، مطرح است و هر دولت و نیروی سیاسی بر مبنای موضع و جایگاهش در این کشمکش، به مساله کرد برخورد میکند. از سوی دیگر این شرایط موقعیت دولتها و احزاب ناسیونالیست کرد و رابطه میان آنان را نیز متحول کرده است. موافقت علنی دولت ترکیه با استقلال کردستان عراق، و مواضع تازه پ. ک. ک. در نزدیکی به دولت ترکیه و دست کشیدن از بسیاری از اهداف و ادعاهای ناسیونالیستی گذشته اش دو نمونه از این نوع تغییرات است. برای دولت سوریه و عراق نیز - در همان حد که در این دو کشور از دولت مرکزی چیزی باقیمانده است- مساله کرد اساساً در چهارچوب حل و فصل بحران موجود و تثبیت موقعیت داخلی و منطقه ای این دولتها مطرح میشود و معنی پیدا میکنند. در عراق مساله ملی در شکل رابطه دولت اقلیمی و دولت مرکزی - که یک جزء مهم آن را نیز یک حزب ناسیونالیست کرد تشکیل میدهد - بروز پیدا میکنند و در سوریه نیروهای کرد در شکل متحد دو فاکتور اسد در جنگ داخلی این کشور ظاهر میشوند. این شرایط بر خورد این دولتها به مساله کرد علی العموم و مشخصاً به مساله استقلال را اساساً تغییر داده و در چارچوب کاملاً متفاوتی از گذشته قرار داده است. این واقعیت در اظهارات سخنگوی حزب توسعه و عدالت، حزب حاکم در ترکیه، در اعلام حمایت از استقلال کردستان عراق اینطور منعکس میشود که "در گذشته ایده دولت مستقل کردستان دلیلی برای جنگ های ترکیه بود اما امروز دیگر کسی حق چنین اظهارنظری در خصوص کشور کردی را

ندارد ... کردها برادران ما هستند!" این اظهارات سخنگوی دولتی است که در گذشته سرسخت ترین مخالف استقلال کردها و حتی طرح و ایده استقلال در هر یک از چهار پارچه بوده است. در این میان تنها جمهوری اسلامی مانند گذشته با استقلال کردستان عراق مخالفت میکند اما حتی این مخالفت نیز در جهت و از سر حل و فصل اوضاع بحرانی عراق به نفع دولت مالکی صورت میگیرد. کلا جمهوری اسلامی بعنوان متحد و حامی فعال دولت مالکی، یک پای جنگ و کشمکش قومی و مذهبی در عراق است و همانقدر میتواند مانعی بر سر استقلال کردستان باشد که دولت مالکی مانع است. مجموعه این شرایط حاکی از آنست که از لحاظ عملی موانع بر سر راه استقلال کردستان عراق از هر زمان دیگر ضعیف تر شده است و در نتیجه احتمال جنگ و کشمکش بر سر این مساله نیز کمتر و ضعیف تر از هر زمان دیگری است.

*انترناسیونال:* به مساله کرکوک اشاره کردید. بعضی های از این نظر که در کرکوک حمام خون برپا خواهد شد با استقلال مخالفند. این احتمال چقدر جدی است؟

*حمید تقوائی:* همانطور که اشاره کردم وجود دولت اقلیمی که عملاً کرکوک را در دست دارد بی آنکه رسماً و قانوناً اینطور باشد - یعنی وضعیت فعلی - بیش از هر آلترناتیو دیگری یک جنگ و برخورد خونین حول مساله کرکوک را در چشم انداز قرار میدهد. جدائی کردستان تنها بر پایه یک همه پرسی آزادانه از همه مردم کردستان و از جمله اهالی کرکوک میتواند اعتبار و حقانیت داشته باشد و این اتکا به رای مردم امکان جنگ و کشمکش بر سر کرکوک و کلا مناطق مورد مناقشه را اگر کلا منتفی نکند در هر حال بسیار تضعیف و حاشه ای خواهد کرد.

## ضرورت دفاع کمونیستی از استقلال کردستان عراق

### مصاحبه با حمید تقوایی

باید توجه داشت که این مراجعه به رای مردم کرکوک بر سر محسوب شدن بعنوان منطقه ای از اقلیم کردستان و یا خارج آن، هم اکنون جزء توافقات دولت اقلیمی و دولت مرکزی هست (ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق)، اما تا بحال عملی نشده است. این پذیرش هر چند فرمال و روی کاغذ همه پرسی از جانب دولت مرکزی حقانیت بیشتری به استقلال متکی بر رای مردم می بخشد. در هر حال حتی اگر تا قبل از سربلند کردن داعش و شکل گیری بحران حاضر مساله کرکوک امری لاینحل و ناروشن بود و در توازن قوای بین دولت اقلیمی و دولت مرکزی به یک نوع موازنه و ثبات نسبی رسیده بود، امروز با تصرف این شهر بوسیله دولت اقلیم کردستان، به یک کانون بحرانی تبدیل شده است که تنها راه عملی خنثی کردن آن در شرایط حاضر برگزاری همه پرسی از مردم در مورد آینده این شهر و کل کردستان عراق است.

*انترناسیونال: آیا استقلال کردستان به نفع ناسیونالیسم کرد و مشخصاً احزاب حاکم در اقلیم کردستان تمام نمیشود؟*

*حمید تقوایی: پاسخ به این سؤال تماماً به نقش و عملکرد کمونیستها، امروز در رابطه با استقلال و فردا در کردستان مستقل، بستگی دارد. همانطور که توضیح دادم از نظر ما و تا آنجا که منافع توده مردم کردستان مطرح است، استقلال راهی برای مصون ماندن از آتش جنگ قومی و مذهبی و جامعه و حکومت مبتنی بر مذاهب و اقوام و عشایر است. ما به این دلیل خواهان استقلال هستیم که شر این سناریوی نظم نوینی را از سر مردم کردستان کم کنیم.*

ناسیونالیسم کرد و مشخصاً دولت اقلیمی کردستان جزئی از همین سناریوی سیاه نظم نوینی است. دولت اقلیم کردستان در سایه حمله نظامی آمریکا در جنگ خلیج ایجاد شده و بر این مبنا موقعیت و جایگاهی در سیاست پیدا کرده است. مردم کردستان در دو دهه اخیر حاکمیت احزاب ناسیونالیستی را تجربه کرده اند و خلاصی از سلطه این احزاب به یک خواست و تمایل توده ای در کردستان عراق تبدیل شده است. استقلال از دید توده اهالی کردستان میتواند باید به معنی نقطه پایانی باشد نه تنها به دخالتگری نیروهای اسلامی بلکه همچنین به حاکمیت نیروهای ناسیونالیستی، و سیاستها و عملکرد "ناسیونالیسم خودی" که در دو دهه اخیر دست خود را برای مردم رو کرده اند. کردستان مستقل میتواند باید نمونه یک جامعه سکولار و مدرن و متمم قرن بیستمی در تمایز از نه تنها عراق و سوریه، بلکه جمهوری اسلامی و ترکیه و اسرائیل و همه دولتهای ملی - مذهبی - قومی در منطقه خاورمیانه باشد. کردستان مستقل میتواند، با حل مساله ملی کرد و در نتیجه زدودن توهامات ناسیونالیستی در میان توده مردم، شرایط سیاسی - اجتماعی مساعدی را برای قدرتگیری چپ در جامعه و اعتدالی مبارزه در راه آرمان و هدف آزادی و برابری و رفاه برای شهروندان فراهم آورد. آرمان و هدفی که انقلابات موسوم به بهار عربی با پرچم "نان، آزادی، کرامت انسانی" به دنیا اعلام کردند. ما کمونیستها از این موضع و با این پرچم بحث استقلال را مطرح میکنیم و از آن دفاع میکنیم. این روشن است که سنتا و خودبخود تشکیل یکی کشور و

از سوی دیگر امروز کردستان به نسبت مناطق دیگر عراق شرایط با ثبات تر و متعارف تری دارد و این باعث شده است که نیروهای ناسیونالیست حاکم این وضعیت را به حساب خود بگذارند. استقلال، این اعتبار و حقانیت کاذب را نیز از نیروهای ناسیونالیست سلب میکند و آخرین پرده های ساتر ماهیت ارتجاعی ناسیونالیسم را نیز از میان بر میدارد. البته هیچ یک از این تحولات خودبخود اتفاق نمی افتد. فعالیت و عملکرد کمونیستها در این میان حیاتی و

تعیین کننده است. جامعه و توده مردم در کردستان و در عراق و در منطقه، باید در سطح هر چه وسیعتری مطلوبیت و ضرورت استقلال و چشم انداز کردستان مستقل را از زبان ما کمونیستها بشنوند و از یک موضع و با توقعات و انتظاراتی ماکسیمالیستی، رادیکال و انسانی خواهان استقلال کردستان باشند. اساس مساله تشکیل یک جامعه و دولت غیر قومی غیر مذهبی و سکولار و مدرن است که در آن ناسیونالیسم و مذهب و قومی گرایی هیچ نقش و جایگاهی نداشته باشد. تفاوت اساسی و پایه ای ما با دولتها و نیروها و احزاب ناسیونالیست، که هر یک بنا به منافع و اهداف طبقاتی خود از استقلال دفاع میکنند، بر سر نفس استقلال و یا حتی روند تحقق آن نیست بلکه در همین تبیین و افق انسانی و آزادیخواهانه ای است که ما در چشم انداز جامعه قرار میدهیم.

*انترناسیونال: کمونیستها مشخصاً چه روند و پروسه ای را برای عملی شدن استقلال کردستان مطرح میکنند؟*

*حمید تقوایی: استقلال کردستان باید بر مبنای همه پرسی آزادانه و دموکراتیک از همه اهالی منطقه کردستان صورت بگیرد. این همه پرسی باید تحت نظارت مراجع بین المللی انجام شود، و شفاف و روباز باشد. باید همه احزاب و نیروهای سیاسی برای تبلیغات*

حول مساله استقلال و له و علیه این مساله، و توضیح مخالفت و یا موافقت با استقلال و چشم اندازشان از یک کردستان مستقل، از فرصت و امکانات کافی برخوردار باشند. نکته دیگر دخالت مستقیم مردم در امر سازماندهی فرماندهی است. باید در هر شهر و محله ارگانهای متشکل از خود مردم شکل بگیرد و در امر سازماندهی و برگزاری فرمانده مستقماً دخیل باشد. کار را نباید به احزاب و نیروهای ناسیونالیست واگذار کرد.

همه شواهد نشاندهنده آنست که اکثریت مردم کردستان با استقلال موافقت ولی این شرایط و موازینی که نام بردم به نتیجه همه پرسی اعتبار و حقانیت غیر قابل انکاری میبخشد و از دخالتگری و مانع تراشی های دولتها و نیروها ارتجاعی مخالف استقلال - از جمله جمهوری اسلامی و شریکانش در منطقه - جلوگیری میکنند. این شرایط بخصوص به نیروهای کمونیست و چپ اجازه میدهد در سطح وسیعتری تبیین انسانی و آزادیخواهانه و رادیکال و ماکسیمالیستی خود از استقلال و مطلوبیت آن را به میان مردم ببرند و به یک گفتمان و خواست عمومی تبدیل کنند. در اینجا هم مثل همیشه یک پروسه شفاف و علنی و با دخالت مستقیم مردم، به نفع نیروهای کمونیست و چپ و انقلابی عمل میکنند.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج کشور

اصغر کریمی، دبیر هیئت اجرایی حزب  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

فریبرز پویا، دبیر کمیته خارج کشور  
۰۰۴۴۷۸۶۱۰۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

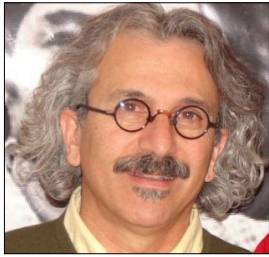
شهلا دانشفر، دبیر کمیته سازمانده  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden

## در باره ضرورت و مطلوبیت استقلال کردستان عراق

گفتگوی سیما بهاری با علی جوادی در برنامه "گفتگو - تلویزیون کانال جدید"



مقدمه: بحران فعلی عراق بحث استقلال کردستان را به مرکز توجه دولتها و رسانه ها کشانده، بارزانی رئیس دولت اقلیم کردستان عراق در مصاحبه ای که اخیرا با "سی ان ان" داشته از "تعیین سرنوشت مردم کردستان عراق با استفاده از فرصت کنونی" حرف زده، دولت ترکیه هم ظاهرا نظر مساعدی در این رابطه اظهار داشته و دولت اسرائیل هم اعلام کرده در صورت استقلال، دولت کردستان را به رسمیت خواهد شناخت. در این برنامه تلاش می کنیم جوانب گوناگون این موضوع رو با مهمان عزیز برنامه علی جوادی در میان بگذاریم.

سیما بهاری: علی جوادی به برنامه "گفتگو" خوش آمدید. اوضاع عمومی سیاسی عراق را چگونه می بینید؟ تحولات عراق به چه سمتی می چرخد؟

علی جوادی: عراق در حال حاضر روزهای سیاهی را از سر میگذارند. عروج جریان هیولای اسلامی داعش و جنگ و نسل کشی که در جامعه شکل گرفته است تنها یک برگ سیاه دیگر در سیر تحولاتی خونینی است که در چند دهه گذشته بر سر مردم ستمدیده عراق نازل شده است. عراق برای چندین دهه در اسارت استبداد و دیکتاتوری خونین صدام حسین بود. به این تصویر سیاست مرگبار تحریم اقتصادی آمریکا و متحدین اش را برای یک دهه اضافه کنید. سیاستی که بنا به ادعای موسسات آکادمیک آمریکا بیش از ۵۰۰۰ نفر ماهانه جان خود را از دست میدادند. سپس تعرض میلیتاریستی آمریکا و ناتو را اضافه کنید. جنگی که در آن بیش از یک میلیون نفر از مردم

عراق کشته و هزاران هزار نفر زخمی و آواره و بی خانمان شدند. جنگی که منجر به دره شکسته شدن شیرازه جامعه شد، زندگی به معنای جاری آن در هم شکست و عراق به صحنه تحرك و جولانگاه جریانات آدمکش اسلامی و خانخانی نظامی و تروریستی و قوم پرستی تبدیل شد. ماحصل این جنگ و کشتارها عمدتا به جیب حکومت اسلامی در ایران و سایر جریانات اسلامیستوی رقیب و قومپرست ریخته شد. جامعه ای تخریب شد تا آمریکا بتواند به گوشه ای از سیاست خونین خود در فردای جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق شکل دهد. وضعیت عراق دریاچه ای برای مشاهده گوشه ای از نظم نوین ادعایی آمریکا بود.

در فردای سرنوشتی صدام حسین، آمریکا و متحدین اش تلاش کردند تا حکومتی بر مبنای مذهب و قومیت و ناسیونالیسم را در عراق بر سر کار بگذارند تا زمام امور را در دست داشته باشد. نتیجه چنین شالوده و بنیادهای حکومتی از پیش روشن بود: کشمکش و جدال فرقه های مذهبی و قومی در عراق. تخاصم ملی و مذهبی. بار دیگر نشان داده شد که حکومت مبتنی بر شاخه های مختلف فرقه های مذهبی و جریانات اسلامیستوی قومپرستی تشکیل شود تنها محصولش میتواند جنگ و تخاصم و کشتار و خصومت های نهادینه شده مذهبی و ملی و قومی و نژادی باشد. در لیست مسببین این وضعیت باید از حکومت بعثی صدام حسین آغاز کرد. در این لیست باید جریانات میلیتاریستی آمریکا و ناتو و همچنین انواع جریانات آدمکش اسلامیستوی و ناسیونالیستی و

قوم پرست را قرار داد.

هیولای اسلامی داعش در چنین متن و لجنزاری در رقابتی خونین با جریان اسلامی مالکی و متحدش، حکومت اسلامی در ایران، عروج کرد. جریانی که تحت حمایت آشکار و پنهان حکومت عربستان و قطر و بعضا ترکیه قرار دارد و اکنون بخشهای وسیعی از عراق در کنترل خود قرار داده و اخیرا هم خلافت اسلامی خود را اعلام کرده است. اینکه این جریان چقدر ماندگار خواهد بود، یا اینکه اصولا قادر به حکومت کردن خواهد بود، تماما سؤالاتی واقعی هستند، اما تا همینجا جامعه عراق در اثر این کشمکشها به بخشهای مختلف تجزیه شده و وضع فعلی دیگر قابل دوام نیست. نه ارتش مالکی و نیروهای کمکی حکومت اسلامی و روسیه قادر به حفظ حکومت اسلامیستوی مالکی در عراق خواهند شد و نه حکومت "ائتلافی" مورد نظر آمریکا شانس برای تولد و بقاء دارد. ادامه وضع موجود دارای کمترین احتمال در میان گزینه هایی است که در مقابل جامعه عراق قرار دارد. تجزیه عراق بنظر محتمل ترین واقعیت در سیر تحولات آتی است.

سیما بهاری: این روزها بحث استقلال کردستان عراق مورد توجه دولتها و رسانه های خبری قرار گرفته. زمینه های مادی و واقعی این موضوع کدام است؟ دولت اقلیم کردستان چه اندازه سر این خواست جدی است؟ آیا طرح این خواست از طرف اقلیم اهرم فشار در معادلات سیاسی اقتصادی منطقه نیست؟

علی جوادی: طرح بحث استقلال کردستان عراق به عنوان یک سیاست مشخص و نه سیاست

عمومی بخششهایی از ناسیونالیسم کرد به تغییر و تحولات کنونی در عراق و از هم گسیخته شدن و بی اعتبار شدن بند و بستها و یا به اصطلاح توافقات میان نیروهای تشکیل دهنده "ائتلاف اسلامی - قومی" حاکم بر عراق برمیگردد. عروج داعش عملا توافقات فدرالیستی موجود در عراق میان ناسیونالیسم کرد و جریانات اسلامیستوی و بعثی را درهم شکسته است. در این اثنا جریان ناسیونالیستی بارزانی که در راس حاکمیت عشیرتی - قومی اقلیم کردستان عراق قرار دارد، خود با طرح شعار استقلال کردستان عراق مساعد دید و آن را مطرح کرد. این طرح برای این جریانات عشیرتی معنای زمینی و خاصی در رقابت با بخشهای دیگر ناسیونالیسم کرد و مشخصا رقابت با اتحادیه میهنی کردستان دارد. جریان بارزانی میکوشد با طرح مساله استقلال کرد و بند و بست با نیروهای منطقه ای موافق این طرح دست بالا را در کشمکش و رقابت میان نیروهای رنگارنگ ناسیونالیست کرد و در سطح منطقه پیدا کند.

حمله داعش به کرکوک و عقب رانده شدن این هیولای اسلامی توسط نیروهای پیشمرگه اقلیم کردستان موقعیت مناسب و منحصر بفردی را برای این جریان بوجود آورد. تسلط بر کرکوک و دستیابی به منابع نفتی این منطقه آن پشتوانه عملی و مادی پیشبرد این سیاست در شرایط کنونی توسط جریان بارزانی شده است. جریان عشیرتی اقلیم کردستان به اندازه حجم حاصل از درآمد فروش نفتهای این منطقه در طرح

خواست استقلال کردستان جدی است. هدف این جریان از طرح استقلال کردستان در عین حال که از یکسو به آمال دیرینه بخشهایی از ناسیونالیسم کرد برمیگردد در عین حال و اساسا در متن کشمکشهای منطقه ای و ناسیونالیستی برای این جریان مطلوبیت خاصی پیدا کرده است. روشن است که حاکمیت اقلیم کردستان در تلاش برای پیشبرد به دنبال گرد آوردن متحدین منطقه ای و جهانی خود است. پیشروی و عملی شدن این طرح در عین معادلات بسیاری در سطح منطقه بهم زده و به جغرافیای جدیدی در خاورمیانه شکل خواهد داد.

سیما بهاری: در اواسط دهه نود و بعد از حمله همه جانبه دولت صدام به کردستان، حزب کمونیست کارگری ایران خواست استقلال کردستان از عراق را به عنوان تنها راه نجات مردم، طرح کرد. آنروزها بخشی از نیروهای سیاسی از جمله همین احزاب کردستان که امروز در قدرتند با این موضوع رسما مخالفت کردند. چه موفلفه هائی باعث تغییر سیاست این احزاب شده است؟

علی جوادی: بحث استقلال کردستان توسط جریان ما در عراق پیشینه تاریخی دیرینه تری دارد و به موقعیت فرودست مردم منتسب به کرد در عراق در زمان جنگ اول خلیج بر میگردد. در عراق ستم ملی و موقعیت فرودست مردم کردستان امری نهادینه و رسمیت یافته شده بود. رژیم عراق یک رژیم فوق ارتجاعی ناسیونالیست عرب بود و نسبت به کلیه اتباع این کشور اعم از

## در باره ضرورت و مطلوبیت استقلال کردستان عراق

عرب و کرد فوق العاده سرکوبگر و خشن. مردم کردستان عراق بطور اخص به فجیع ترین اشکال این سرکوب و خشونت تلخ را بارها تجربه کرده بودند.

در ادامه این کشمکشها بود که حزب کمونیست کارگری سیاست استقلال کردستان را مطرح کرد. زمانیکه که حکومت ناسیونال - شونیستی صدام در پی چندین سال سیاست سرکوبگرانه و اعمال فرودستی به این مردم عملا بخشهای کرد نشین عراق را تحت محاصره و تعرض نظامی خود قرار داد و آمریکا و ناتو هم سیاست "منطقه پرواز ممنوعه" را در این مناطق اعلام کرده بود، سیاستی که از یک طرف مردم ساکن این نواحی را در منگنه سیاست تبعیض و فرودستی قرار میداد و از طرف دیگر از این مردم حقوق شناخته شده شهروندی عادی سلب شده بود. در آن زمان مساله استقلال کردستان توسط حزب کمونیست کارگری بعنوان راه حلی برای حل مساله کرد در عراق مطرح شد. راه حلی که هر چند مطلوبترین راه حل ما نبود اما بعنوان یک راه حل عملی در مقابل تراژدی انسانی که حکومت صدام و همچنین اعمال سیاستهای آمریکا در مقابل این مردم قرار داده بود، عملا به عنوان یک راه حل مطلوب موضوعیت خاص خود را پیدا کرده بود.

پس از سرنگونی صدام حسین و شکل گیری حکومت اسلامی عراق عملا مساله ستم ملی و فرودستی مردم منتسب به کرد از قوانین و ارکان حاکمیت حذف شد اما همانطور که بارها گفته ایم "فدرالیسم" نه تنها کشمکشها و خصومتها قومی و ملی را پایان بخشید بلکه آن را نهادینه کرده و به یکی از پایه های کشمکش موجود در عراق تبدیل کرد. در عراق ما اکنون

شاهد اعمال سیاست ستمگری ملی در ابعاد رسمی و حقوقی آن نیستیم اما شاهد کشمکشهای خونین قومی و مذهبی هستیم. این کشمکشها به درجه ای رسیده است که عملا "همزیستی" مردم منتسب به بخشهای مختلف جامعه را به یک معضل واقعی تبدیل کرده است. راه حل این مساله یک جراحی اجتماعی - سیاسی است. برای "مساله ملی" در عراق و مشخصا مساله ملی کرد و سرنوشت کردستان عراق باید یک راه حل واقعی و عاجل ارائه داد. به قول منصور حکمت: "مساله کرد در عراق باید پاسخ بگیرد. استقلال کردستان عراق قطعاً از نظر کمونیسم کارگری اولین انتخاب نیست. پاسخ اول ما به مساله ملی در کل منطقه انقلاب کارگری است. یک انقلاب کمونیستی که مرزهایی را که انسانها را از هم جدا میکند، به کشورها و اقوام و ملل و ادیان مختلف تقسیمشان میکند و در مقابل هم قرارشان میدهد از میان برمیدارد. انقلابی که انسانها را از خرافه ملی و از طوق هویت ملی رها میکند و به معنی واقعی انسان شان میکند. استقلال کردستان عراق حتی دومین انتخاب ما هم نیست. یک عراق غیر قومی، یک عراق آزاد که در آن شهروندان مستقل از قومیت و ملیت از حقوق مدنی برابر برخوردار باشند، عراقی که در آن قومیت شهروندان نه پرسیده شود و نه ثبت گردد و نه در هیچ قانون و مقرراتی ذکر شود، قطعاً بر جدایی کردستان ارجحیت دارد. هر دوی این اهداف، چه سازماندهی و تحقق یک انقلاب کارگری در عراق و در کل منطقه و چه ایجاد یک رژیم سیاسی آزاد، سکولار و غیر قومی در عراق که در آن "کرد" و "عرب" و همه کسانی که دیگر حاضر نیستند با این القاب قومی دسته بندی

شوند بعنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت شناخته شوند، اهداف اعلام شده حزب کمونیست کارگری عراق است." (منصور حکمت، ژوئن ۱۹۹۵)

اما مادام که آلترناتیوهای اولیه مورد نظر ما تحقق پیدا نکرده اند، بنظر من پاسخ مساله ملی موجود در عراق در گرو استقلال کردستان عراق است. از نقطه نظر ما مردم این مناطق باید در یک فرماندوم زیر مراجع حقوقی بین المللی در مورد جدایی از عراق تصمیم بگیرند. پاسخ ما به جدایی در این شرایط مثبت است.

سیما بهاری، ترکیه و اسرائیل متحدین منطقه ای آمریکا از طرح استقلال استقبال کرده اند آمریکا تا به امروز از دولت دست نشانده خودش نوری المالکی حمایت کرده، بنظر شما آمریکا چه موضعی خواهد گرفت؟

علی جوادی، آمریکا به دنبال پیشبرد سیاست "اتلاف همه گیر" در عراق است. می خواهند بار دیگر نیروهای اسلامپستی حامی رژیم اسلامی در ایران و نیروهای بعثی و بعضاً متحد عربستان سعودی و نیروهای ناسیونالیست کرد را در یک طرف بریزند و حکومت جدیدی را شکل دهند. سیاستی که از پیش مهر شکست را بر پیشانی دارد و عملاً زمینه ساز کشمکشها و تخاصمات خونین حاضر در عراق است.

از طرف دیگر آمریکا چندان مایل به حمایت همه جانبه از مالکی در قدرت نیست. بعضاً به دنبال جانشین مناسبی برای مالکی هستند. میدانند که نمیتوانند سیاست "اتلاف همه گیر" خود را با مالکی در قدرت در شرایط تضعیف شده به پیش

برند. این روزها باز احمد چلبی در بالای لیستشان قرار گرفته است. اما تا زمانیکه نتوانند جانشین مناسبی پیدا کنند با این جماعت میسازند.

به این اعتبار موضع کنونی آمریکا در قبال استقلال کردستان مخالفتی از پهلو با این طرح و سیاست است. مخالفتی اصولی و پایه ای نیست. میکوشند که حمایت ناسیونالیستهای کرد را به طرح خودشان جلب کنند. می خواهند با تغییرات اندکی به اهداف خود دست یابند.

عروج داعش نقشی دوگانه برای آمریکا داشته است. از یک طرف کمک کرده است تا جریان مالکی و به همین اعتبار رژیم اسلامی در سطح عراق در موقعیت تضعیف شده تری قرار گیرد و از طرف دیگر آنقدر نباید قدرت بگیرد و یا دوام بیاورد که معادلات مورد نظر غرب و سیاستهای پایه ایشان در منطقه را بیش از این برهم بزند.

سیما بهاری، استقلال کردستان، خط قرمز همیشگی ایران و ترکیه بوده، امروز ترکیه تغییر موضع داده جمهوری اسلامی چه واکنشی نشان خواهد داد؟ آیا طرح و یا اجرای این امر دول منطقه را علیه مردم کردستان بسیج خواهد کرد؟

علی جوادی، سیاست رسمی جمهوری اسلامی دفاع از "یکپارچگی" عراق و حاکمیت مالکی در راس آن است. تجزیه عراق و استقلال کردستان را کلاً به ضرر خود میدانند. چنین طرحی توازن قوای موجود و موقعیت رژیم اسلامی در عراق را به ضرر جمهوری اسلامی به درجاتی تغییر خواهد داد. جمهوری اسلامی تاکنون یک بازنده تحولات عراق بوده است. از این رو برای اعاده اوضاع سابق در عراق تلاش خواهد کرد. از طرف دیگر میکوشد که با تکیه بر رقابتهای و خصومتها جریانات ناسیونالیست کرد در مقابل طرح استقلال کردستان قرار گیرد.

بنظر من مساله استقلال کردستان عراق و پیشرویهایی

واقعی در این زمینه عملاً با تهاجم نظامی جمهوری اسلامی مواجه نخواهد شد. زمینه های دخالت نظامی و قابل ملاحظه رژیم اسلامی در این شرایط در کردستان عراق شدیداً محدود است. رژیم اسلامی فعلاً مانده است که با داعش چه کند. حاکمیت اقلیم کردستان نیز این موقعیت را تشخیص داده است. اما مسلماً میتواند موانع معین و قابل ملاحظه ای در پیشبرد این سیاست بطور واقعی ایجاد کند.

تا آنجا که به ضدیت این دولتها در مقابله با مردم در کردستان عراق برمیگردد، این حکومتها چه قبل و چه بعد از آن همواره مصالح ارتجاعی خود را دنبال کرده اند. سیاستهای آنها همواره در مقابل خواست و منافع مردم در این منطقه قرار داشته است.

سیما بهاری، خطرات و موانع رسیدن به خواست استقلال کردستان برای مردمی که در کردستان عراق زندگی می کنند چیست؟ آیا این مطلوبترین راه حل است؟ به عقیده شما مشخصات دولتی که در فردای استقلال کردستان بقدرت برسه چه باید باشد تا یک جامعه شاد و انسانی را بدور از آتش جنگهای قومی و مذهبی برای اکثریت مردم تضمین کند؟

علی جوادی، چنانچه در مناطق کردنشین عراق رفاندومی تحت نظر سازمان ملل برگزار شود، چنانچه نیروها و احزاب سیاسی درگیر در این مناطق بتوانند بطور آزادانه به فعالیت در رابطه با سیاستهایشان بپردازند، چنانچه مردم بتوانند آزادانه آراء مطلعانه خود را بیان کنند، مخاطرات چندان در مقابل پیشبرد این طرح نخواهد بود. اما واقعیت این است که ما در خاورمیانه ای زندگی میکنیم که در عین حال صحنه جدال و کشمکش جریانات اسلامپستی و قوم پرست و انواع دار و دسته جات قبیله ای و عشیرتی است. این جریانات

## یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

### در بزرگداشت منصور حکمت!

"جنگ تروریستها میتواند آغاز یکی از خونبارترین دوره‌های تاریخ معاصر باشد. تا همینجا نفس در سینه صدها میلیون انسان حبس شده است. اما این دورنما محتمل نیست. صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست. یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند. این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سرآغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهای در جهان باشد که بشریت در دهه‌های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه‌ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمایانند که واقعا یک بشریت متمدن، یک جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته‌اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده‌ای است."

### منصور حکمت در مقاله "دنیای بعد از یازده سپتامبر"

امروز، ۴ جولای ۲۰۰۴، مقارن با دوازدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. با مرگ او کمونیسم معاصر یک متفکر و رهبر برجسته و یک پراتیسین و مبارز خستگی ناپذیر را از دست داد اما بعد از مرگ منصور حکمت نیاز عاجل و مبرم جهان معاصر به بینش و روش و پراتیک و نقد عمیق و رادیکالی که منصور حکمت نماینده و پرچمدارش بود، بیش از پیش برجسته و عیان شد. "غول خفته" مورد اشاره منصور حکمت در جنبش یک درصدی علیه نود و نه در صدیها و در انقلابات موسوم به بهار عربی به حرکت در آمد و

## هراس از تکرار انقلاب اکتبر و انقلاب کبیر فرانسه!

و انباشت هر چه بیشتر ثروت در دست یک درصدیها و فقر و محرومیت هر چه بیشتر برای نود و نه درصدیها در آمریکا و در سراسر دنیا بود.

انقلاباتی نظیر انقلاب اکتبر و انقلاب کبیر فرانسه، و بسیار فراگیر تر و زیر رو کننده تر از آن انقلابات در راه است. انقلاباتی که نه اشتباهات و سهل انگاریهای این و یا آن دولت و این یا آن شرکت و کمپانی، بلکه قوانین و نیازهای پایه‌ای و هویتی کاپیتالیسم وقوع آنها را به یک ضرورت و نیاز عاجل جهان معاصر تبدیل کرده است. آقای هانوئر صرفا تجسم انسانی نگرانی و هراس بجای کاپیتالیسم از تحقق این ضرورت پایه‌ای و تاکید دیگری بر گریز ناپذیری انقلابات زیر و رو کننده ضد کاپیتالیستی در جهان معاصر است.\*

"اگر برای حل نابرابری خیره کننده‌ای که در این اقتصاد وجود دارد کاری نکنیم، چوبش را خواهیم خورد. هیچ جامعه‌ای تحمل چنین نابرابری فزاینده‌ای را ندارد. در واقع در تاریخ بشر هیچ مثالی وجود ندارد که ثروت اینگونه انباشته شده باشد و سرانجام چوبش را نخورده باشد... اگر تغییراتی سریع اعمال نشود شاهد اتفاقاتی مثل انقلاب اکتبر روسیه یا انقلاب کبیر فرانسه خواهیم بود."

نیک هانوئر سرمایه دار مالتی میلیاردر آمریکایی مشکل آقای هانوئر و هم طبقه‌ای هایش اینست که تغییرات سریع مود نظرشان دردشان را دوا نمیکند. آقای اوباما با شعار تغییر روی کار آمد و نتیجه اش نجات کمپانیهای نظیر جنرال موتورز از بحرانی که خود این نوع کمپانیها باعث و بانی اش بودند،

گوشه‌ای از قدرت خود را به نمایش گذاشت اما بربریت کاپیتالیستی همچنان بر دنیای ما حکمفرماست. برای جنگ نهائی با کاپیتالیسم معاصر، جنگ ناگزیری که حتی مراجع و نهادهای بورژوازی و سرمایه دارن مالتی میلیاردر در موردش هشدار میدهند و راههای مقابله با انقلابات نوع انقلاب اکتبر و انقلاب کبیر فرانسه را بحث و بررسی میکنند، به کمونیسمی نیاز است که منصور حکمت نماینده و رهبر و پرچمدارش بود: کمونیسم کارگری در تمایز پایه‌ای و هویتی از جریانات سنتی موسوم به کمونیسم در دوره جنگ سرد. کمونیسمی که آمال و آرزوهای کارگران و توده‌های محروم دوران ما، آرمان نود و نه درصدیهای جهان در مقابل سلطه یک درصدیها، را نمایندگی کند. جهان متمدن به این کمونیسم نیاز دارد.

بهترین راه بزرگداشت منصور حکمت توده‌ای و اجتماعی کردن کمونیسم اوست. کمونیسمی که خود او همانند مارکس "ماتریالیسم پراتیک" مینامید. راه تبدیل این کمونیسم به یک جریان اجتماعی قدرتمند، پراتیک اجتماعی و دخالتگری فعال در رویدادها و مبارزات اجتماعی روزمره‌ای است که میتواند "سر آغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهای در جهان باشد که بشریت در دهه‌های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود". پراتیک اجتماعی‌ای که "میتواند ورق را برگرداند".

حزب ما با دخالتگری فعال و هر روزه در دل رویدادها و تحولات و مبارزات و اعتراضات جاری، نه صرفا در سالروزها، بلکه هر روز یاد عزیز منصور حکمت را گرامی میدارد.\*

## دانشگاه باز میگردد!

اما واقعیات جامعه از گسترش فقر و گرانی و بیکاری گرفته تا رشد اعتراضات علیه اعدام و حجاب و آپارتاید جنسی در ورزشگاهها این هشدارها و خط و نشان کشیدن را تماما بی اثر و بی اعتبار میکند. با آغاز سال تحصیلی تازه دانشگاهها نیز به یک سنگر مبارزه در تمامی این عرصه تبدیل خواهد شد. چندی قبل دانشجویان دانشگاه اصفهان در اعتراض به جو اختناق حاکم در دانشگاهها اعلام کردند "دانشگاه باز میگردد!" این پاسخ از پیش دانشجویان به تکاپوهای عبت مقامات حکومتی در مقابل یک سنگر مهم "آزادی و برابری" در جامعه است.\*

"مسئولان ذیربط و مدیران دانشگاهها باید با جدیت از تبدیل مراکز علمی به محل جولان و فعالیت‌های جریان‌های سیاسی جلوگیری کنند".  
خامنه‌ای

این نگرانی خامنه‌ای کاملا قابل درک است. یک مرکز رشد چپ و آرمانهای سوسیالیستی در جامعه ایران، از دوران حکومت شاه تا به امروز، دانشگاهها بوده است و امروز در متن بحران همه جانبه‌ای که دامن حکومت را گرفته، این خطر سرخ بیش از هر زمان دیگری مقامات حکومتی را هراسان کرده است. خامنه‌ای به خیال خود دارد مقامات حکومتی اش را برای اول مهر آماده میکند



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه‌ها منتشر می‌شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com

## ۵۰۹۰۰ دلار جمع آوری شده و حداقل ۴۰۱۰۰ دلار دیگر لازم است هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ کمکی بیش از اندازه زیاد نیست!

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:

Sweden

Post Giro: 639 60 60-3

account holder: IKK

آلمان:

Germany

Rosa Mai

Konto. Nr.: 5836575

Bankleitzahl: 37010050

Post Bank

کانادا:

Canada

ICRC

Scotiabank

4900Dixie Rd, Mississauga

L4W 2R1

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G street Blaine, Wa 98230

phone# 1-360-332-5711

Masoud Azarnoush

Account number : 41581083

checking (99)

wire: ABA routing #026009593

swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر

کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس

بگیرید:

سیامک بهاری: 0046739868051

markazi.wpi@gmail.com

۱۰۰۰۰ کرون

پدرام رضا زاده

۱۰۰ یورو

پروین معاذی و نسان نودینیان

۲۰۰ یورو

بهمن قربانی

۲۶۰۰ کرون

کاوش مهران

۵۰۰۰ کرون

ناصر شیشه گر

۲۰۰ دلار

نوید محمدی

۲۰۰ یورو

شهناز مرتب و ناصر محمدی

۲۰۰ یورو

محمود قانلی

۲۰۰ یورو

امین کمانگر

۲۰۰ یورو

سعید ویسی

۲۰۰ یورو

مالی را تا آخر ماه ژوئیه تهیه

کنیم. ۵۰۹۰۰ دلار در طول پنج

هفته گذشته جمع آوری شده و

امیدواریم به همت شما حداقل

۴۹۱۰۰ دلار دیگر نیز در هفته

های آینده تامین شود.

ضمن قدردانی عمیق از

دوستانی که تاکنون کمک کرده

اند، کلیه دستداران حزب و

کانال جدید و همه مردم شریف و

آزادیخواه را به پیوستن به این

کمپین فرامیخوانیم.

لیست کمک به کمپین ۱۰۰ هزار

دلاری در هفته پنجم:

آذر مقدم و غلام مقدم

۳۰۰۰ کرون

کریم شاهمحمدی

۵۰۰۰ کرون

محمد کریمی

۵۰ یورو

اسماعیل علیجانی

۵۰ یورو

تعدادی از دستداران حزب

حزب کمونیست کارگری حزب

شما است. حزب آمل و آرزوهای

انسانی میلیونها نفر، حزب

پرچمدار مبارزات کارگران، زنان،

دانشجویان و معترضین به اعدام

و جنایات حکومت

اسلامی است.

کانال جدید صدای اعتراض

میلیونها زن به حجاب اسلامی،

صدای اعتراض میلیونها کارگر

به بی حقوقی همه آحاد جامعه در

ایران و صدای جوانان معترضی

است که شادی و رفاه و آزادی را

حق خود میدانند.

برای ادامه کاری کانال جدید

و به منظور گسترش دادن به

فعالتهای حزب و کانال جدید، به

کمک تک تک شما نیازمندیم.

هیچ کمکی کوچک نیست و هیچ

کمکی بیش از اندازه زیاد نیست.

همه شما کسانی که ما را مورد

تشویق قرار داده و قلبتان از دیدن

پیشرویهای این حزب و این کانال

به طیش در می آید، کمک کنید

تا حداقل ۱۰۰ هزار دلار کمک

### به کمک مالی شما نیاز داریم!

### کمپین دوماهه برای تامین ۱۰۰ هزار دلار

مبارزه برای کنار زدن بختک

جمهوری اسلامی و صرف تلاش

برای سازمان یافتن مردم برای

رهائی از این جهنم میشود.

بعنوان فعال این کمپین قدم به

میدان بگذارید و از همه دوستان و

آشنایان و از همه انسانهای شریف

بخواهید که به حزب کمونیست

کارگری و کانال جدید کمک مالی

کنند. امیدواریم با مشارکت فعال

شما حداقل صد هزار دلار در دو

ماه آینده جمع آوری کنیم و

فعالیت هایمان را گسترش دهیم.

کمک های خود را میتوانید از

طریق از طریق حسابهای بانکی

زیر پرداخت کنید. اسامی و میزان

کمک ها بطور علنی اعلام خواهد

گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ مه ۲۰۱۴، ۸ خرداد ۱۳۹۳

مبرم دارند تا صفوف خود را

متحدتر و مستحکم تر کنند و به

کانال جدید نیاز دارند تا صدای

اعتراض خود را هر چه رساتر

منعکس کنند. کارگران و زنان و

جوانان، زندانیان سیاسی و خانواده

هایشان، محکومین به اعدام و

خانواده هایشان و در يك كلام

بیش از ۷۰ میلیون مردم شریف و

زحمتکش به این حزب و کانال

نیاز دارند تا روشن تر و امیدوارتر

مبارزه برای احقاق حقوق خود را

گسترش بدهند. ما مصممیم که

فعالیت های خود را گسترش دهیم

و به این منظور به کمک مالی

شما نیازمندیم. از شما دعوت

میکنیم که فعالانه در این کمپین

شرکت کنید.

هر يك دلار کمک مالی شما

صرف مبارزه برای نجات انسانها،

به منظور تامین هزینه های کانال

جدید و گسترش فعالیت های

حزب کمونیست کارگری کمپینی

دو ماهه از اول ماه جون تا آخر

جولای اعلام میکنیم و از همه

دوستداران حزب و کانال جدید و

کلیه آزادیخواهان و مخالفان

جمهوری اسلامی تقاضا میکنیم

در این کمپین ما را یاری بدهند.

نقش حزب کمونیست کارگری

و کانال جدید برای میلیون ها نفر

از مردم شناخته شده است. در

عرصه های مختلف مبارزه و

هرجا ظلم و سرکوبی هست حزب

کمونیست کارگری هم فعالانه

حضور دارد و در صف اول مبارزه

علیه جمهوری اسلامی و علیه

بیحقوقی ها و محرومیت های

مردم ایستاده است. مردم ایران به

حزب کمونیست کارگری نیاز





## هشدار! وضعیت اضطراری رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده دو رهبر محبوب کارگری در زندان

شهلا دانشمند

گرفت. از این تاریخ خبری از بهنام در دست نبود. خانواده اش ملاقاتی با او نداشته و در نگرانی بسر میبردند. تا اینکه در ۷ تیر ماه او توانست با خانواده اش ملاقاتی داشته باشد. البته در حضور بازپرس او این ملاقات صورت گرفت. اما بعد از این ملاقات ۶ نفر از ماموران لباس شخصی همسر و فرزند بهنام ابراهیم زاده را به گروگان گرفتند و همراه با چند ماشین به خانه وی رفتند و نیما ابراهیم زاده پسر بهنام را که ۱۵ سال سن دارد و همگان از ابتدای وی به بیماری سرطان مطلع هستند، تحت فشار قرار دادند که مدارک پدرش از جمله فلاش های او را تحویل دهد. این جانبان بعد از چند ساعت تفتیش در ساعت ۴ صبح منزل وی را ترک کرده و کلیه مدارک شناسایی از جمله مدارک هویتی خانواده و کارت های بانکی و شماره حساب را ثبت و با خود بردند. آنها همسر و فرزند بهنام را تهدید کردند که هر کاری کرده اند، به آن اعتراف کنند.

رفتار جنایتکارانه سرکوبگران رژیم اسلامی با بهنام ابراهیم زاده و خانواده اش، بخصوص فرزند بیمارارش، نقض آشکار حقوق زندانیان سیاسی و حقوق انسانی است. در قبال این رفتار وحشیانه جمهوری اسلامی باید با انزجار عمومی جامعه و جهانیان روبرو شود.

همچنین در ۴ تیر ماه ماموران جنایتکار رژیم در زندان با تحریک یک زندانی معتاد تلاش کردند شاهرخ زمانی را مورد ضرب و شتم قرار دهند و بهانه ای برای حمله به زندانیان

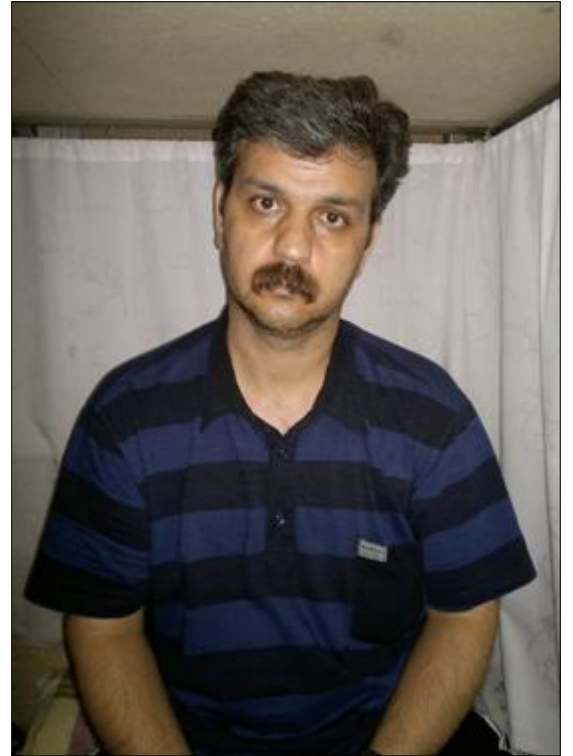
بر روی کمرش به زندان رجایی شهر تبعیدش کرده اند، در اعتصاب غذا بسر میبرد و در این مدت ۱۲ کیلو وزن کم کرده است.

وضعیت جسمانی رضا شهابی نگران کننده است. خواستهای او بر حق است. اعتراض او به وضعیتی است که رژیم اسلامی بر سر زندانیان سیاسی در زندان آورده و به جای درمان آنها را زیر فشار دائم درد قرار میدهد و به این شکل سلامت و جان آنها همواره در خطر است. یک نمونه بارز خود رضا شهابی است که در زندانهای رژیم اسلامی به مرز فلج شدن رسیده است. نمونه های دیگرش نیز افشین اسانلو و ستار بهشتی هستند که زیر فشار شکنجه های رژیم اسلامی جان سپردند. با حمایت از زندانیان سیاسی، با حمایت از خواستهای رضا شهابی ما میتوانیم و باید جلوی چنین جنایاتی را بگیریم.

همچنین خیر ها حکایت از وضعیت اضطراری بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری و فعال دفاع از حقوق کودک و فشار بر روی او و خانواده اش است. بهنام ابراهیم زاده در جریان حمله وحشیانه به بند ۳۵۰ همراه با تعداد دیگری از زندانیان سیاسی این بند به انفرادی ۲۴۰ انتقال یافت. سپس رژیم اسلامی بعد از مواجه شدن با اعتراض گسترده علیه این تهاجم، این زندانیان را از ۲۴۰ به ۳۵۰ بازگرداند. بهنام ابراهیم زاده از آخرین افرادی بود که در ۱۱ اردیبهشت از ۲۴۰ به ۳۵۰ بازگردانده شد. اما دو روز بعد از آن یعنی در ۱۳ اردیبهشت به انفرادی ۲۰۹ انتقال داده شد و زیر بازجویی های مجدد قرار

هوش آوردند. اکنون رضا با سرگیجه دائم و درد کمر و وضعیت بد جسمانی روبرو است. در رابطه با این وضعیت همسر رضای شهابی در همان روز به دفتر دادستان دادستانی رفته ضمن اعتراض به رفتار وحشیانه ماموران سازمان زندانها، اداره اطلاعات و مسئولین قوه قضائیه با همسرش و ارائه گزارش وضعیت پزشکی وی، خواستار پاسخگویی آنان شد. اما آنها با اظهار بی اطلاعی هیچ پاسخی به وی ندادند. در برابر این بی مسئولیتی خانم ربابه رضایی همسر رضا شهابی اعلام کرد: اگر یک مو از سر همسر من کم شود از همه شما شکایت خواهم کرد، او همچنین گفت: تمامی خواست های شوهر من طبق قانون نوشته شده خود شما است و تمامی خواسته های شوهر من از شما اینست که حداقل به قوانین و نوشته ها و گفته های خودتان احترام بگذارید، وظیفه خود را در قبال قانونی که بخاطر اجرا کردنش از مردم پول به عنوان دستمزد می گیرد انجام دهید، تا نانی که با آن پول برای بچه هایتان می خرید حداقل طبق اعتقادات خودتان حرام نباشد، او گفته است کجای دنیا دیده شده است که یک کارگر را بخاطر درخواست اجرا شدن قانون تصویب شده خود دولت زندانی کنند؟ من وضعیت شوهرم را به شما گزارش دادم و خواسته های قانونی او را به شما گفتم و اگر به قانون عمل نکنید شکایت خواهم کرد."

گفتنی است که رضا شهابی از تاریخ ۱۱ اردیبهشت در اعتراض به اینکه به جای اعزاز وی به بیمارستان و عمل جراحی



بیبوندم.

بنا بر خبر های منتشر شده از سوی کمیته دفاع از شاهرخ زمانی و دفاع از رضا شهابی قبل از ظهر روز ۹ تیر رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد در پی ۳۹ روز اعتصاب غذا و تاثیر امواج سرطانزای دستگاه های پارازیت انداز که ۶ دستگاه نیز به دستگاه های قبلی افزوده شده است، بر زمین افتاد و از هوش رفت. دو نفر از همبندانش او را به بهداری زندان بردند اما دکتر بهداری در همدستی با شکنجه گران جمهوری اسلامی، به جای رسیدگی به وضع رضا اعلام داشت که تا زمانی که اعتصاب غذای خود را شکسته است کاری انجام نخواهد داد. در نتیجه همراهن رضا به اجبار با زدن آب به سر و صورتش او را به

اخبار و گزارشات حاکی از وضعیت جسمانی نگران کننده رضا شهابی از رهبران کارگری شناخته در زندان رجایی شهر و فشار سنگین بر روی بهنام ابراهیم زاده و خانواده او یکی دیگران از رهبران کارگرای زندانی در بند ۲۰۹ است. همچنین اخبار حکایت تشدید فشار بر روی شاهرخ زمانی از دیگر رهبران کارگری و از همبندان رضا شهابی است.

شاهرخ زمانی یکی از رهبران کارگری در بند طی فراخوانی در حمایت از رضا شهابی میگوید: همزنجیران، هشدار! رضا شهابی، زندانی کارگر، در ۳۴ مین روز اعتصاب غذا، در خطر مرگ قرار دارد! از هر طریق ممکن به کمکش بشتابید!" هشدار شاهرخ زمانی را جدی بگیریم و وسیعا به این فراخوان

## فراخوان شاهرخ زمانی در حمایت از رضا شهابی، زندانی کارگر، در ۳۴ مین روز اعتصاب غذا

همزنجیران، هشدار! رضا شهابی، زندانی کارگر، در ۳۴ مین روز اعتصاب غذا، در خطر مرگ قرار دارد! از هر طریق ممکن به کمکش بشتابید!

دوستان، فعالین و تشکل های مستقل کارگری!

درودهای گرم و آتشین من از زندان و قتلگاه جهنمی رجایی شهر پذیرید! زندانی که اینک جایگاه فعالان صدیق کارگری گشته است.

تنها گناه و جرم ما برای دستگیری و حبس های سنگین و طولیل المدت توسط دولت و طبقه سرمایه داری ایران، فعالیت و تلاش های قانونی برای ایجاد تشکل مستقل سندیکایی، بعنوان تنها ابزار دفاعیمان در مقابل بهره کشی این طبقه از کارگران و حق زندگی و رفع گرسنگی خانواده ۵۰ میلیونی مان می باشد. مسلما در شرایطی که قراردادهای سفید امضا و موقت و عدم برخورداری از امنیت شغلی، که سایه شوم اخراج و بیکاری و در

نتیجه فقر و نداری را بر سر ما به پرواز در آورده است، و هنگامیکه دستمزدهای کارگران یک چهارم خط فقر می باشد، اما پارانها ها حذف می شوند و اقتصاد مملکت در رتبه دوم جهانی تورم و گرانی قرار گرفته است، و حقوق درمانی، تحصیلی، تفریحی و ورزشی علاوه بر کلیه قوانین حمایتی، از قبیل تامین اجتماعی و بیمه ها و دیگر امکانات عمومی به کیسه زراندوزی مافیای ثروت و قدرت سرازیر می شود، در زمانیکه ثروت های ملی خصوصی سازی و یا خودمانی شده و کلیه عرصه های تولید و کار توسط غارتگران مورد تعرض قرار گرفته است، گمرکات مرزی بر داشته شده و واردات کالاهای بنجل توسط رانت خواران حکومتی به نابودی کلیه عرصه های تولید و بیکاری سازی میلیونی انجامیده است، و خلاصه در شرایطی که کشوری، با غنی ترین معادن و ذخیره های نفت و گاز

در جهان تبدیل به بالاترین آمار تورم و گرانی، بیکاری، بیسوادی، اعتیاد، طلاق و تن فروشی می گردد و ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر قرار گرفته اند، آری! در چنین شرایطی دفاع از حق تشکل و اعتصاب بعنوان یگانه ابزار مقاومت و مبارزه ما کارگران در مقابل هجوم سازمان یافته طبقه سرمایه دار، «گناهی نابخشودنی» و «جنایتی بزرگ» علیه این طبقه طفیلی و انگل محسوب می شود. تا با گرسنگی و فلاکت عمومی خانواده های کارگران، امنیت انباشت سرمایه و حساب های بانکی آبر میلیاردرها تامین شود. همقطاران و هم زنجیران طبقه کارگر!

رضا شهابی، کارگر مبارز عضو سندیکای شرکت واحد، مدافع جسور، صادق و سرسخت منافع طبقه کارگر ایران در ایجاد تشکل های مستقل کارگری، برای احقاق حقوق بر حقمان، مانند حق

تشکل و اعتصاب، امنیت شغلی، دستمزدهای شایسته، درمان و تحصیل و مسکن رایگان می باشد. او بطور غیرقانونی توسط نوکران نظام سرمایه داری دستگیر و به ۶ سال حبس محکوم شده است. او، اینک، پس از ۵ سال اسارت بصورت غیرقانونی به قتلگاه رجایی شهر تبعید گشته و در اعتراض به این اقدام وحشیانه، در ۳۴ مین روز اعتصاب غذای خود، در خطر مرگ حتمی قرار دارد.

هدف دشمن طبقاتی از عدم پاسخگویی عمدی به خواسته های قانونی رضا شهابی و بنوعی قتل عمد وی، از بین بردن روحیه اتحاد و مبارزه و مقاومت ما کارگران علیه بهره کشی و ناعدالتی میباشد. این مدافعان طبقه سرمایه داری، علاوه بر اجرا نکردن ماده ۱۳۴ مجازات اسلامی در مورد تعدد اتهامات و همچنین عدم اجرای آزادی مشروط، و اظهار بی تفاوتی نسبت به نیازهای درمانی او که علیرغم نیاز فوری به جراحی اضطراری دیسک کمر، که حتی بهداری زندان نیز تایید کرده است، از مرخصی درمانی وی نیز جلوگیری می کنند تا عداوت و دشمنی خود را به خانواده ۵۰ میلیونی کارگران به اثبات برسانند. کارگران، فعالان و تشکلات

کارگری با اعتراضات و اعتصابات خود علیه این اقدامات قانون شکنانه و خودسرانه ی عوامل مافیای قدرت و ثروت و با حمایت از اجرای خواسته های قانونی نماینده واقعی خود، رضا شهابی، بوظیفه طبقاتی و انسانیتان عمل کنید. مبارزه برای آزادی رضا شهابی، نبرد برای آزادی حق تشکل و اعتصاب است. چرا که تنها راه رهایی ما از بندگی، وحدت و تشکیلات است! با ایجاد هیئت های مستقل اتحادیه ای و سندیکایی در محل کار، در جهت ایجاد تشکل قانونی و مستقل خود اقدام کنید. و با پیوند این تشکلات برای ایجاد فدراسیون طبقه ۱۴ میلیونی کارگران، این تنها وسیله مقاومت سراسری در برابر تبعیض و نابرابری و بهره کشی طبقه سرمایه دار، حرکت کنید.

شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و سندیکای کارگران نقاش تهران زندان رجایی شهر منبع: کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی

از صفحه ۹

### وضعیت اضطراری رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده دو رهبر محبوب کارگری در زندان

بدست اورند. ضمن اینکه شخصی به نام "بهرنگ نجاتی" در پوشش کارمند دانشگاه ملی تبریز پدر و مادر شاهرخ زمانی در تبریز را مورد تهدید و فحاشی قرار داد.

این در حالیست که روز ۴ تیر افشین ندیمی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری برای گذراندن یک سال حکم زندان خود به زندان مرکزی سنندج منتقل

کارگر و فعال حقوق کودکان کار به خانواده وی داده نشده است.

این اخبار برای همه ما یک هشدار است. با کارزاری جهانی در مقابل این تعرضات بایستیم و صدای کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهانی باشیم. در ایران به هر شکل که میتوانیم در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی دست به کار شویم. خانواده های این عزیزان، از جمله خانواده رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده را در حلقه حمایت وسیع خود قرار دهیم. نگذاریم فشار اقتصادی آنها را در تنگنا قرار دهد و فشار بیشتر بر این زندانیان دریند وارد آید. همراه این خانواده ها در مقابل دادگاهها، زندانها و مراجعی مختلف دولتی رژیم اسلامی جمع

شویم. حمایت خود را از شکایت رضا شهابی و همسر او از وضعیت زندانیان سیاسی اعلام کنیم. شبکه های اجتماعی در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تشکیل دهیم. با اس ام اس در مورد وضعیت اضطراری این کارگران زندانی حمایت وسیع خود را اعلام کنیم. در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تراکت و اطلاعیه پخش کنیم و وسیعا اطلاع رسانی کنیم. هر جا که کارگران در تجمع و اعتراض هستند، باید شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد یک شعار مهم آنان باشد. عکس کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، عکس رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده را همه جا

نصب کنیم و خواستار آزادی فوری آنان باشیم. هفته ای اعتراضی در حمایت از این دو فعال و رهبر کارگری که چنین در وضعیت اضطراری در بند هستند، اعلام کنیم و به این ترتیب فشار را از روی آنان و خانواده هایشان کم کنیم.

همه کارگران زندانی و هم زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند. شهلا دانشفر هماهنگ کننده کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۱۲ تیر ۹۳

## تنها با اقدامات تنبیهی میتوان یک مشت آخوند و مفتخور زن ستیز اسلامی را آدم کرد!



که در مورد همه قوانین ضد زن و رفتارهای وحشیانه حکومت اسلامی علیه زنان و علیه مردم ایران، علیه جنایاتی که حکومت اسلامی انجام میدهد، باید کاری کرد که جمهوری اسلامی ایران تحت فشار دیپلماتیک و سیاسی بین المللی قرار بگیرد. آیا نمیتوان همه روابط سیاسی با جمهوری ضد زن اسلامی را تعلیق کرد و اعلام کرد مادام حکومت اسلامی ایران حجاب اجباری را لغو نکند، هیچ نوع رابطه سیاسی و دیپلماتیک با این حکومت نخواهیم داشت. تنها از این طریق است که میتوان از مبارزات گسترده و قهرمانانه زنان در ایران دفاع کرد و حکومت اسلامی را زیر فشار گذاشت و او را وادار به عقب نشینی های بیشتر کرد و راه سرنگون کردن این حکومت زن ستیز را هموارتر کرد.

ما به زنان معترض و مبارز در ایران که در يك ماه گذشته، فعالانه برای لغو این محرومیت تلاش کردند، درود میفرستیم و دست همه آنها را به گرمی میفشاریم. متحدانه باید کاری کنیم که در استادیوم ها بروی زنان باز شود. این امکان پذیر است و يك تو دهنی محکم به حکومت و معمم و مکلائی قرون وسطایی و اسلامی است که از روز اول علیه زنان رجز خوانده و حقوق زنان در ایران را زیر پا له کرده اند. اکنون نوبت ما زنان است. پیشروی خواهیم کرد و اولین قدم باز کردن در ورزشگاهها است!

مینا احدی سخنگوی نهاد زن آزاد

۲ جولای ۲۰۱۴

توانمندی هایمان به این سطح جهانی در والیبال رسیدیم اما فدراسیون والیبال جهانی، ۳ شرط پیش روی ما برای رفتن به گروه الف قرار داد؛ اچ دی کردن پخش مسابقات، داشتن سیستم ویدیوچک و اجازه حضور زنان در ورزشگاه. صدا و سیما با هزینه ای حدود ۱۵ میلیون دلار سیستم پخش اچ دی را وارد ایران کرده و مشکل سیستم ویدیو چک هم حل شده و فقط مانده مساله حضور زنان در ورزشگاه. بحث ممنوعیت حضور بانوان نیز برعهده فدراسیون نیست، بلکه در دست همان نهادی است که در این مورد می تواند دخالت کند. من نامی نمی برم اما بحث شورای تامین و شورای امنیت مطرح است. این موضوع باید به شکل ظرفی حل شود چراکه در این مورد اختلاف نظر فقهی وجود دارد و به همین دلیل موضوع باید کارشناسی و بررسی دقیق شود.» تاکنون هیچ بد اخلاقی اتفاق نیفتاده. همه تلاشمان را برای رفع این مشکل انجام می دهیم مگر این که مسئولان تصمیم بگیرند که ما نیازی نداریم در لیگ جهانی قرار بگیریم یا میزبان بازی های جهانی باشیم. ما به عنوان تنها رشته گروهی کشور که در این سطح جهانی درخشیده، حیف است در این برهه حذف شویم و زحمتان به باد رود."

نهاد زن آزاد که از یکسال قبل در رساندن صدای زنان ایران به گوش جامعه جهانی و همچنین فیفا و فدراسیون جهانی والیبال تلاش کرده، این اقدام تنبیهی را بسیار مثبت دانسته و معتقد است

تحقیر کننده و ضد زن هستند. این آبروی جمهوری اسلامی را بیش از پیش برد.

تیم والیبال ایران در سه مسابقه پیاپی برنده شد و اکنون در موقعیت بسیار خوبی است. اما فدراسیون جهانی والیبال گفته است که موضوع ممنوعیت ورود زنان را در نشست ماه جولای خود بررسی خواهد کرد و از هم اکنون نیز سه شرط اعلام کرده است که در صورت عدم تحقق این شروط، ایران از میزبانی محروم میشود و در جدول نیز سقوط خواهد کرد.

محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال در ایران به «شهروند» می گوید: «ما با همه

با پرچم برزیل وارد سالن شدند. این خبرو عکس زنان ایرانی با پرچم های برزیل در رسانه های بین المللی زیادی منعکس شد.

بازی ایران و ایتالیا مواجه شد با پخش وسیع خبر در رسانه های ایتالیایی و بیانیه مطبوعاتی که از سوی طاهر جعفرزاده مسئول کمیته ندای دی در مورد این محرومیت منتشر شده بود و از همگان دعوت کرده بود اعتراض کنند. این بیانیه در رسانه های ایتالیایی با وسعت منتشر شد و بحثهای فراوانی را در رسانه های ایتالیایی دامن زد. طاهر جعفر زاده جزو تیم مذاکره کننده با مقامات فیفا و مسئولین فدراسیون جهانی والیبال در ماه ژانویه در ژنو بود. هیئتی به سرپرستی مینا احدی در ژنو با مقامات بالای فیفا و فدراسیون جهانی والیبال در مورد لغو فوری ممنوعیت ورود زنان به استادیوم ها مذاکره کردند و آنها قول داده بودند در اولین نشست فدراسیون والیبال و همچنین فیفا در این مورد حرف بزنند.

در ایتالیا تیم ملی والیبال ایتالیا با پخش يك ویدئو و پخش پیام بازیکنان این تیم هر يك گفتند خواهان لغو این محرومیت

فدراسیون جهانی والیبال حکومت اسلامی ایران را برای لغو ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه تحت فشار گذاشته است!

این نتیجه اعتراضات مداوم و گسترده زنان در ایران برای لغو این محرومیت بیشرمانه است!

با مبارزات قهرمانانه زنان علیه ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاهها، با اقدامات بین المللی و مذاکره با مقامات فیفا و فدراسیون بین المللی والیبال، بالاخره اعلام شد که اگر جمهوری اسلامی ایران ممنوعیت ورود زنان را رسماً لغو نکند، اقدامات تنبیهی را شاهد خواهد بود.

ایران این هفته ها در مرکز توجه بین المللی بود. این بار بدلیل مسابقات والیبال و پیروزی های پی در پی تیم ایران، يك موضوع اما بیش از همه در مرکز توجه بود. عدم ورود زنان به ورزشگاهها و اعتراضات گسترده زنان به این آپارتاید رسمی و وقیحانه جنسیتی علیه زنان.

ابتدا با بازی ایران و برزیل دور جدید اعتراضات آغاز شد. زنان برزیلی حق ورود داشتند و زنان ایرانی، نمیتوانستند وارد سالن آزادی شوند. اعتراضات از همان اول شکل گرفت و تعدادی از زنان



## برای آزادی ریحانه از زندان چه باید کرد؟ سخنی خطاب به ریحانه و دوستدارانش!

مقاومت و صبوری یک زن جوان در زندانهای قرون وسطایی یک حکومت، بدلیل دفاع همیشگی یک زن جوان و اسیر حکومت اسلامی از انسانیت و حقوق انسانی.

ریحانه هیچ جرمی مرتکب نشده بود جز دفاع از خود در مقابل تعرض یک مرد استفاده از چاقو در شرایط اضطراری باز

ریحانه جباری اکنون نامی آشنا در سراسر جهان است. او را حداقل ۱۸۵ هزار نفر که طومار اعتراض به حکم اعدامش را امضا کرده اند، می شناسند. او را میلیونها نفر در ایران می شناسند، چرا که سرگذشت این زن جوان در رسانه های مختلف و در سایتهای و مدیای اجتماعی متعدد مطرح و مورد بحث و جدل و بررسی عمومی قرار گرفت. او را میلیونها نفر در خارج از ایران می شناسند، چرا که رسانه های بین المللی در مورد او نوشتند، کمپین نجات ریحانه را مطرح کرده و نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین الملل و یای احمد شهید و تعداد دیگری از شخصیت های سرشناس بین المللی به حکم اعدام او اعتراض کردند. ریحانه را میلیونها نفر در ایران و در دنیا می شناسند، چرا که هنرمندان سرشناس زیادی از او دفاع کردند، چرا که رسانه های فارسی زبان در خارج از کشور به سرنوشت او توجه کرده و بارها در مورد او حرف زدند.

ریحانه جباری چهره ای است که نه فقط شناخته شده است، بلکه محبوب میلیونها نفر است در ایران و در دنیا، چرا؟ به ما میگویند از قاتلین قهرمان میسازید، حمله کنندگان به کمپین های بین المللی علیه اعدام میگویند با قهرمان سازی از قاتلین، دلهای خانواده های مقتولین را رنجیده میکنند و این خود باعث شتاب بخشیدن به پروسه اعدام این افراد میشود و ...

از نظر ما اگر دنیا عادی بود، ریحانه جباری چهره سال ۲۰۱۴ بود. نه به دلیل اینکه پایش به یک پرونده قتل باز شده، بلکه بدلیل پایداری و مقاومت اش در مقابل زندانبانان، بدلیل

است، سخن از به هیچ انگاشتن زنان و دختران جوان است، سخن از تمکین و تمکین و تمکین است. تمکین به مرد، تمکین به تجاوز، تمکین به زن ستیزی!

ریحانه اما تربیت شده یک خانواده و پدر و مادری با فرهنگ دیگر است، ریحانه در زندگی روزمره در خانواده و در بین دوستانش یاد گرفته است که یک انسان است. او فرقی بین زن و مرد قاتل نبوده، او یاد گرفته به همه انسانها احترام بگذارد، او یاد گرفته در وهله اول به خودش احترام بگذارد، ریحانه یک دختر مثل هزاران و هزاران دختر در ایران است که خانواده های آنان



مهوش علاسوندی مسئول نهاد مادران علیه اعدام و بیژن فتیحی پدر و مادر دو اعدامی - تورنتو کانادا

این حکومت و این سعیت و بی فرهنگی مطلق را قبول ندارند و فرزندان خود را برخلاف فرهنگ و سنتهای قرون وسطایی تربیت میکنند.

او ندیده و تجربه نکرده که در زیر اعماق جامعه ای که از بد روزگار در آنجا متولد شده، زیر پوست شب، چه جنایاتی و چه جرائمی و چه هیولاهایی هستند و خون میمکنند و جان می ستایند و بعد از جنایت و خونریزی، در کمال بی وجدانی بر میلیونها نفر "حکومت" میکنند! از بد روزگار این دختر جوان و انسان دوست، با اعتماد بنفس و

را درک میکردند و قبل از هر چیز او را تحت مراقبت های ویژه پزشکی و روانپزشکی قرار داده در نهایت با حضور وکیل و هیئت منصفه قضات حکم میدادند.

در آن دادگاه فرضی، اصل دفاع از خود در مقابل قصد تجاوز یک اصل مهم بود و در آن دادگاه نفس دست زدن یک مرد به ریحانه و قرار گرفتن ریحانه در این موقعیت وحشتناک خود یک موضوع مهم مورد بررسی بود....

اما اینجا سخن از ایران است و قوانین اسلامی! سخن از له کردن زنان زیر نعلین آخوند ها

هم برای نجات خود از یک مهلکه بزرگ!

آنها با ریحانه چه کردند؟ او را زدند و شکنجه کردند، او را با بی حرمتی تمام، وادار کردند، حرفهای آنها را تکرار کند، او را در مقابل دو راهی کوتاه آمدن و یا تعرض به دیگر افراد خانواده اش قرار دادند، او را سعی کردند زیر پا له کنند، یک مشت جانی و شکنجه گر و مردان بیرحم و بی عاطفه که سیاهی و تباهی و قرون وسطی را نمایندگی میکردند.

سوال کماکان اینست: چه کسی ثابت کرده، ریحانه

آزاده، در یک گردباد اسیر میشود، اسیر هیولاهای!

امروز ریحانه جباری دیگری را در مقابل خود داریم. ریحانه جباری که او را تا سرحد مرگ زده و تحقیر کردند، او را شکستند و خواستند حرمت و انسانیت و افکار و عقاید و تربیت اش را زیر پا له کنند، نهال جوانی را خواستند، نیست و نابود کنند... ریحانه زنده ماند، ریحانه ماند و تجربه آموخت و یاد گرفت و سخت و آبدیده شد و حرف زد حرف زد و حرف زد...

دلنوشته نوشت و این دلنوشته ها نور افکنی شدند هم به زیر پوست شب در ایران تحت حاکمیت مشتی آخوند و معمم و مکلاهی بیرحم اسلامی و هم نورافکنی شدند به اعماق و روان یک زن جوان که در تاریکی مطلق حاکم بر ایران، روشنایی و نور را نمایندگی کرد و این نقطه جذاب این ماجرا است!

دلنوشته های ریحانه جوان، دلنوشته های ریحانه عاصی و انسان دوست، میلیونها نفر را با دل ریحانه آشنا کرد. میلیونها نفر به احترام او از جای بلند شده و گفتند و نوشتند، چه با احساس، چه انسان دوست، هیچگاه به هیچ کس توهین نمیکنند، او از همه انسانها دفاع میکند، او مدافع حقوق انسان است و این بار بزرگ را بر دوش ریحانه گذاشتند و این انتظارات را از ریحانه بیشتر و بیشتر کرد!

اینجا چند کلمه خطاب به ریحانه از سوی این میلیونها نفر میگویم!

ریحانه جان، عزیز هزاران و میلیونها نفر!

چه بخواهی، چه نخواهی در موقعیت جدیدی قرار گرفته ای، چه بخواهی چه نخواهی یک بار بزرگ روی شانه های بزرگت قرار میگیرد. بمان و مقاومت کنی، بمان و این ماجرا را تا پایان ادامه بده.

شنیدم که کمی خسته شده ای، شنیدم گفته ای نمیخواهی در زندان بمانی و این وضع را نمی پسندی و میخواهی هر چه زودتر تکلیفت روشن شود، انتظار ما از

از صفحه ۱۲

## برای آزادی ریحانه از زندان چه باید کرد؟

تو اینست که بگویی می‌خواهم زنده بمانم، می‌خواهم آزاد شوم و با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنم.

جمله ای از تو شنیدم که تکانم داد، گفته ای خسته شده ام، نمی‌خواهم زندان بمانم می‌خواهم تکلیفم روشن شود. این حرفها را در مقاطعی از شهلا جاهد شنیدم که گفت تکلیفم را روشن کنید، مواظب باش حاکمین فعلی در ایران، بی شرم تر از اینها هستند، تکلیفم را مثل شهلا جاهد میتوانند روشن کنند که همین حرفها را زد و بنظر من اشتباه کرد. باید می ماند و باید مقاومت میکرد و با اتکا به میلیونها نفر که از او

دفاع میکردند، در نهایت آزاد میشد.

میدانم که طرف مقابل تو زمان می‌خرد، حکومت اسلامی می‌خواهد خسته کند، می‌خواهد سر و صداها بخوابد و بتوانند راحت تصمیم بگیرند، می‌خواهد ترا و ما را خسته کند. این روش همیشه اینها است.

اما يك چیز برای من و تو و ما باید روشن باشد حکومت اسلامی ایران الان با این درجه از عطف توجه افکار عمومی و حساسیت مردم به سرنوشت تو، جرات نمی‌کنند ترا اعدام کنند، اینرا کاملا مطمئن هستم! با وجود اینکه میدانم بسیار شرایط سختی داری، باید بدانی

الان سرنوشت تو محل تلاقی يك جنبش علیه اعدام با حاکمینی است که قتل انسانها را ساده ترین کار میدانند. باید ماند و مقابله کرد، باید راه فرار را بر این حکومت بست، باید ترا از چنگ اینها بیرون آورد. این نجات تو و موفقیت يك کمپین جهانی است که هدفش نجات جان همه محکومین به اعدام در ایران و سخت و پر هزینه کردن اعدام و جنایت توسط حاکمین بیرحم در ایران است.

آنها میگویند برای مقابله با قتل، قتل سازمان میدهند. همه می بینند که در پرونده این حکومت که بظاهر مخالف قتل است، قتل هزاران نفر ثبت شده است اینها خود بزرگترین قاتلین هستند. قتل برایشان آب حیات است چرا که میترسند و وحشت ایجاد میکنند چرا که به همه نشان میدهند که مرگ و زندگیشان در دستهای اینها است

و باید در مقابل جنایات و بیرحمی ها و چپاولگری این جماعت ساکت باشند. ریحانه!

ما برای نجات تو عزم جزم کرده ایم. کمپین نجات ریحانه را با قدرت ادامه خواهیم داد و با فراز و نشیب های این کمپین باید در گیر شویم. ما باید کاری کنیم که يك روز در ایران، درهای زندان شهری به اندازه پهنای شانه های تو باز شود و تو سالم از این زندان بیرون بیایی! این آرزوی میلیونها نفر و از جمله خانواده تو است.

دوستان و دوستداران ریحانه جباری!

اینک باید مجددا در ابعادی وسیع و جهانی دست بکار شد. اینک باید کاری کرد که دولتها، همه دولتها برای نجات ریحانه و آزادی او رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهند. از همه کسانی که با پارلمانها در اروپا و کانادا

و امریکا و در هر جای دیگر تماس دارند دعوت میکنیم فورا با این نمایندگان، با روسای دولتها و با مسئولین حقوق بشر دولتها تماس گرفته و خواهان اعمال فشار فوری آنها به حکومت اسلامی برای آزادی ریحانه بشوید.

از همه علاقمندان ریحانه دعوت میکنیم که در روز ۲۶ جولای، روز همبستگی جهانی با ریحانه دست به ابتکارات متعدد زده و با برگزاری کنفرانس، میتینگ، پیکت و برنامه های هنری متنوع و ... کمک کنند هر چه زودتر ریحانه آزاد شود.

زنده باد کمپین جهانی نجات ریحانه جباری

زنده باد جنبش علیه اعدام مینا احدی از کمپین جهانی نجات ریحانه جباری

۳ جولای ۲۰۱۴

از صفحه ۶

## در باره ضرورت و مطلوبیت استقلال کردستان عراق

مذهب و قومیت و ملیت و تابعیت به عنوان شهروندان آزاد و برابر در جامعه عراق زندگی میکنند. در غیاب امکان فوری تحقق چنین اهدافی و در شرایطی که کشمکش و تخاصمات خونین ملی و مذهبی جامعه را تهدید میکنند، ما خواهان استقلال کردستان عراق هستیم.

تاکید میکنم، ما خواهان استقلال کردستان عراق هستیم، اما مدافع يك "دولت کردی" نیستیم. ما مدافع این نیستیم که "کردها دولت خود را تشکیل دهند"، ما خواهان استقلال کردستان عراق هستیم و برای يك کردستان آزاد و برابر و مرفه و سکولار با حکومتی که متضمن رهایی انسان از قید و بندهای موجود باشد تلاش میکنیم. ما خواهان استقرار يك جمهوری سوسیالیستی در کردستان عراق هستیم.\*

میتوانند به این پروسه خون بپاشند. میتوانند زمینه ساز و عامل سیاست کثیف پاکسازی و تسویه های قومی و مذهبی و قبیله ای شوند. در عین حال باید تاکید کنم که در صورت گسترش دامنه تخاصمات خونین در عراق این راه حل کماکان مطلوب و عملی است و میتواند از مخاطرات و دامنه تراژدی انسانی در عراق کم کند.

اما تا آنجا که به مساله راه حل مطلوب برمیگردد. آلترناتیوهای ما روشنند. ما برای پیروزی يك انقلاب کارگری تلاش میکنیم. انقلابی که تقسیم جهان و انسانها را به کشور و ملت و قومیت بی موضوعیت میکند و به این تقسیم بندیها و کشمکشها پایان میدهد. راه حل دوم ما شکل دادن به عراقی سکولار و آزاد و برابر و مرفه است که همگان مستقل از

## ۱۱ جولای روز جهانی علیه سنگسار است!



سخنرانی به مناسبت این روز تاریخی!  
بررسی کمپینی که دنیا را تکان داد!

کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی،  
تیر خلاص به جنایتی به اسم سنگسار

سخنران: مینا احدی

محل: آلتیه فوئر واخه - کلن، آلمان

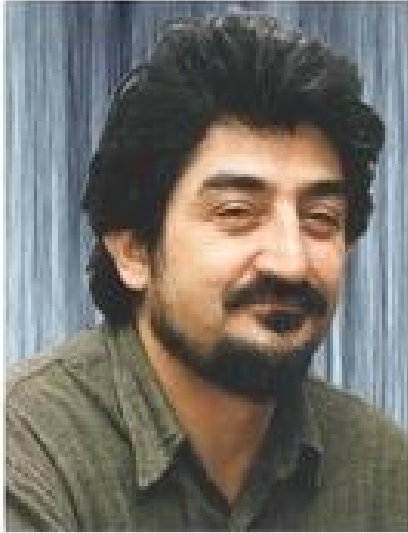
ساعت ۱۷ روز جمعه ۱۱ جولای ۲۰۱۴

تلفن تماس: مهین درویش روحانی ۰۱۷۷۸۲۹۷۸۴۱

از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این برنامه حضور بهم رسانند.

## گرامیداشت منصور حکمت

مراسم یادبود، دوازدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت



اساس سوسیالیسم  
انسان است!

منصور حکمت  
۱۹۵۲-۲۰۰۲

### سخنرانان:

**حمید تقوایی:** لیدر حزب کمونیست کارگری ایران

**عصام شکری:** دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق

**زمان:** شنبه ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۴، ساعت ۲ بعد از ظهر

**مکان:** ۵۱۰۰ خیابان یانگ، نورت یورک سنتر، اتاق شماره ۳

5100 Yonge St. North York Civic Centre - Committee Room # 3

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، واحد شرق کانادا

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری چپ عراق، واحد کانادا

## افشین ندیمی فعال کارگری شهر سنندج راهی زندان شد!



افشین ندیمی به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی به ۵ سال حبس و به اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس یعنی جمعاً ۶ سال و مهرداد صبوری به ۸ ماه حبس محکوم گردیدند. اما بعد در دادگاه تجدید نظر بخاطر عضویت در کمیته هماهنگی تبرئه شدند و احکام زندانی آنها به اتهام "تبلیغ علیه نظام" برای افشین ندیمی به یکسال، و مهرداد صبوری به چهار ماه تقلیل یافت.

در ۴ اسفند ۹۲ افشین ندیمی موقتاً با تودیع وثیقه ی یکصد و سی میلیون تومانی، آنها تا ابلاغ حکم قطعی آزاد گردید. مهرداد صبوری نیز پس از اتمام چهار ماه حبس خود در تاریخ ۲۱ اسفند ۹۲ آزاد شد.

افشین ندیمی و همه کارگران زندانی باید از زندان آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
۸ خرداد ۱۳۹۳، ۱۹ ژوئن ۲۰۱۴

Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
Bahram.Soroush@gmail.com  
<http://free-them-now.blogspot.com>

### اطلاعیه شماره ۱۹۸

روز چهارشنبه ۴ تیر افشین ندیمی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری برای گذراندن یک سال حکم زندان خود به زندان مرکزی سنندج منتقل گردید. افشین ندیمی در این روز خود را برای اجرای احکام دادگاه انقلاب اسلامی شهر کامیاران، خود رابه دادگاه معرفی کرد و سپس از طرف دادگاه تحویل کلانتری محل داده شده و از آنجا به زندان مرکزی سنندج انتقال یافت.

قضیه از این قرار است که افشین ندیمی به همراه مهرداد صبوری مدتی در سلیمانیه عراق مشغول به کارگری بودند که در ۱۷ آبان ۹۲ هنگام بازگشت به ایران توسط نیروهای اداره اطلاعات شهر بانه بازداشت و به اداره اطلاعات شهر کامیاران منتقل شدند. آنها بعد از نزدیک به دو ماه بازجویی در اداره اطلاعات شهر سنندج، سرانجام به زندان مرکزی شهر سنندج منتقل شدند.

این دو فعال کارگری پس از مدتی بدون حضور وکیل مدافع در شعبه یک دادگاه انقلاب اسلامی در شهر سنندج توسط قاضی بابایی محاکمه شدند که

## مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

## بیش از ۸۰۰ کارگر عسلیویه دست به تجمع اعتراضی زدند

بالا کشید و فرار کرد. همچنین با کارگران سه ماهه قرارداد کاری بسته نشده است و چون دفترچه بیمه آنها تمدید نشده در صورت بیماری از همان امکان سطح پائین درمانی نیز محرومند. کارگران کار طولانی و طاقت فرسایی دارند و به سطح دستمزد يك ميليون و دوست تا سیصد هزار تومان بشدت معترضند. کارگران همچنین به تبعیضات فاحش میان خود و مهندسین اعتراض دارند. کارگران میگویند در حالیکه به ما حتی لباس کار نمیدهند و مجبوریم لباس کهنه سال قبل را استفاده کنیم، شش نفر در این اطاق زندگی میکنند و از ساده ترین نیازهای زندگی در عسلیویه محروم هستیم، مهندسین در شرایط بسیار متفاوتی زندگی میکنند و از امکان پرواز برای دیدار با خانواده و امتیازات دیگری برخوردارند و کارگران از همه این امتیازات محرومند.

طبق این گزارش ناظرین بر کار پیمانکاران، در همدستی با پیمانکاران و رشوه گرفتن از آنها و در همدستی با مسئولین حراست و نیروی ویژه وزارت اطلاعات فشار و زورگویی به کارگران را تشدید کرده اند. اسامی ناظرین فازهای مختلف که در میان کارگران بسیار منفورند به این شرح است:

جهانگیر سالاری، ناظر فاز ۱

باقری، ناظر فاز ۲ و ۳

مهدی قربانی نژاد، ناظر فازهای ۴ و ۵

مهدی علیپور ناظر فاز ۶ و ۷ و ۸

خلیل باغبان، ناظر فازهای ۹ و ۱۰

مهندس عبدلی، رئیس کل ناظران و دزدان

این مفتخوران و کلیه عواملی که در همدستی با مزدوران حکومت به کارگران زورگویی میکنند و حقوق کارگران را پایمال میکنند باید با اسم و رسم و عکس به همه شناساند.

حزب کمونیست کارگری از اعتراضات بحق کارگران عسلیویه حمایت میکند و آنها را به خبرسانی منظم، تشکیل مجمع عمومی و تصمیم گیری متحد و یکپارچه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیرماه ۱۳۹۳، ۲۷ ژوئن ۲۰۱۴



طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز سوم تیرماه حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر از کارگران پیمانی بخش تعمیرات پارس جنوبی در فازهای ۱ و ۲ و ۳ عسلیویه در مقابل ساختمان ۱۲ طبقه ای پارس جنوبی دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروی حراست و نیروی ویژه وزارت اطلاعات بلافاصله سررسیدند اما نتوانستند اعتراض کارگران را خاموش کنند. کارگران با گرفتن این قول که تا سه روز دیگر بیمه آنها واریز میشود به تجمع خود پایان دادند.

سه ماه بیمه کارگران به حساب واریز نشده و در نتیجه دفترچه های بیمه آنها تمدید نشده است. کارگران مطالبات دیگری نیز دارند از جمله صاحب شرکت اوج نصر با همدستی ناظر بر کار پیمانکار بخشی از طلب کارگران از جمله حق اضافه کاری و حق استفاده کارگران از خوابگاه را در اردیبهشت ماه

**حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!**

**حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!**

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مضمند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

**به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**



**WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran  
www.wpiiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود